

# ملاحظه توسعه منطقه‌ای فضای کسب و کار در کارآفرینی و فناوری

محمد جعفری (نویسنده مسئول)<sup>۱</sup>، سنجر سلاجقه<sup>۲</sup>

<sup>۱</sup> دانشجوی دکتری مدیریت دولتی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه آزاد اسلامی شهید حاج قاسم سلیمانی، کرمان

m.j.postbank1974@gmail.com

<sup>۲</sup> دانشیار گروه مدیریت دولتی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه آزاد اسلامی شهید حاج قاسم سلیمانی، کرمان

s.salajegheh2020@gmail.com

## چکیده

جرقه‌های پیشرفت فناوری، اغلب توسط کارآفرینان و فن آفرینان زده می‌شود. کارآفرینان از ویژگیهای خاصی چون بصیرت، جسارت، ابتکار، تعهد، پشتکار، تفکر مستقل، انگیزه، موفقیت و آرمانگرایی برخوردارند. اکثر آنها علاقه ویژه‌ای به یک فناوری خاص داشته و از مهارت‌های انگیزشی بالا و شخصیت حکمران برخوردارند. کارآفرینان موفق که از شم بازاری نیز برخوردار باشند، قدرت ماندگاری بالایی دارند. لکن برای بروز استعدادها و ظرفیتهای کارآفرینان، وجود محیطی مستعد و کارآفرین و به عبارتی فضای کسب و کار مناسب الزامی است. به این دلیل است که فضای کسب و کار و بررسی آن توسط سازمانهای مالی بزرگ از جمله بانکها مورد توجه قرار گرفته و شاخص‌های توسعه برای بررسی و محاسبه‌ی آن ارائه شده است. این مساله چند سالی است که در محور توجه دست‌اندرکاران تدوین قانون و سیاستمداران کشور از جمله مرکز پژوهش‌های مجلس و وزارت کار و امور اجتماعی نیز قرار گرفته و اختصاص چهارده ماده از برنامه ششم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و بخشی از سیاستهای کلی اشتغال به بهبود فضای کسب و کار دلیلی بر اهمیت آن در کشور است. با توجه به همین مساله در این مقاله ابتدا به بررسی فضای کسب و کار کشور پرداخته می‌شود، سپس نگاهی به برنامه ششم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و سیاستهای کلی اشتغال خواهیم داشت و در نهایت به بررسی نقش آن در توسعه کارآفرینی و فناوری جوامع کم‌برخوردار با رویکردهای تعادل‌بخشی پرداخته می‌شود.

## واژه‌های کلیدی

فضای کسب و کار، کارآفرینی، فناوری و توسعه منطقه‌ای.

## ۱. مقدمه

در طی تاریخ، فناوری تأثیری عمیق بر توسعه انسانی و پیشرفت تمدن بشری داشته است. حدود دومیلیون سال طول کشید تا انسان ها از حالت قبایل سرگردان همواره در جستجوی غذا، به کشاورزانی تبدیل شوند که توانایی استفاده از ابزار و حیوانات اهلی را داشته باشند. این توسعه چشمگیر با طلوع تمدن بشری مقارن بود. در طی هزاران سال بعد شاهد ساخت چرخ، درشکه و وسایل مکانیکی بودیم. از زمان پیدایش موتور بخار و سیستم کارخانه ای حدود دویست سال می گذرد، تحولی که سرآغاز "انقلاب صنعتی" بود. انرژی تولید شده از آب و منابع مکانیکی، الکتریکی و هسته ای به انسان امکان داد تا در زندگی خود تحولی بی سابقه بوجود آورد. امروزه فناوری در تمام زوایای زندگی بشر نفوذ کرده و این نفوذ کماکان بیشتر می شود. فعالیتهای سازمان های دولتی، خصوصی و جهانی کاملاً به فناوری وابسته است. با گذشت زمان، نرخ پیشرفت فناوری و وابستگی جامعه به آن بیشتر می شود [۱]. فناوری را می توان کلیه فرایندها، دانش ها، ابزارها، روش ها و سیستم های بکاررفته در ساخت محصولات و خدمات دانست. "زلنی" فناوری را شامل سه جزء می داند: (۱) سخت افزار (ساختار فیزیکی و منطقی تجهیزات و ماشین آلات که برای انجام وظایف لازم بکار می روند)، (۲) نرم افزار (دانش استفاده از سخت افزار در راه انجام وظایف)، (۳) مغز افزار (دلایل استفاده از فناوری در مسیری مشخص). البته علاوه بر ۳ عنصر فوق، دانش فنی را نیز می توان عنصر چهارم محسوب نمود. به دانش کسب شده/مهارت های فنی مرتبط با چگونگی انجام کارها دانش فنی گفته می شود. این دانش را می توان از طریق تجربه یا انتقال فناوری و یا کارآموزی بدست آورد. به هر حال فناوری، نقشی اساسی در خلق ثروت داشته و سطح استاندارد و کیفیت زندگی مردم را به شدت تحت تأثیر قرار داده و نقش تأثیر آن چنان بوده که پیشرفت تمدن بشری را غالباً با توجه به فناوری برتر هر عصر مشخص می کنند [۱]. از نظراعربی، فناوری، کاربردعلم، تجربه و مهارت های انسانی جهت مرتفع کردن نیازهای بشری است. به عبارتی فناوری مجموعه ای از ابزارها، مهارتها، دانش و اطلاعات است که به اجزاء فناوری معروف هستند که نه تنها عدم حضور یکی از اجزاء، بلکه عدم هماهنگی میان آنها در کارایی و اثربخشی فناوری موثر است [۲]. نظرات ارائه شده در خصوص کارآفرینی، نیز می تواند رابطه عمیق و تنگاتنگ کارآفرینی و فناوری را مشخص نماید. "رونستات" معتقد است که «کارآفرینی، فرآیند ایجاد ثروت (فناوری نیز عامل خلق ثروت می باشد) است و کارآفرینی مستقل، فرآیندی است که یک شخص به طور آزاد و مستقل، فعالیت کارآفرینانه را به ثمر رسانده و برای شروع کسب و کار، منابع لازم را جمع آوری و بسیج می نماید». "ارلندسون و توکر" معتقدند که «کارآفرینی ترکیبی از استعداد، دانش و فن، تعهد و پشتکار است که فرد تصمیم می گیرد از طریق ایجاد یک کسب و کار بی همتا بر آینده کاری خود تسلط داشته باشد». "زیلبرمن" معتقد است که «کارآفرینان، مهندسان تغییر و تحول هستند و ایده را به واقعیت تبدیل می کنند. از اینرو کارآفرینی در همه حوزه های زندگی اتفاق می افتد». "براون" نیز وجود محیطی دموکراسی و آزاد از قوانین دست و پاگیر را لازمه کارآفرینی می داند تا فرد، امکان درک و تشخیص نیاز بازار را با توجه به منابع فناوری و امکانات موجود به دست آورده و اقدامات خطر پذیر را برای به نتیجه رساندن ایده خود بپذیرد. به طور کلی ویژگی های کارآفرینان از دیدگاه صاحب نظران مختلف عبارتست از داشتن قاطعیت، سرعت در تصمیم گیری، مقاومت در مقابل هیجانات، قدرت دست و پنجه نرم کردن با مشکلات، توانمندی در شناخت شقوق مختلف مساله، توانایی دیدن روابط اجزاء در موقعیت های پیچیده، شناسایی و استفاده از فرصت های سودآور، تفکر مستقل، پرتلاشی و سخت کوشی، ریسک پذیری، رهبری [۳]. همانطور که فناوری همگن سازی را ایجاد می کند توجه به همگن سازی مناطق از جنبه برخورداری از امکانات، تسهیلات و سایر شاخص هایی توسعه، مسئله ای است که می تواند در راه رسیدن به اهداف کمی و کیفی برنامه های کلان کشور، جهت گیری متناسب با هدف کاهش تفاوت میان مناطق در توسعه پایدار اقتصادی و بهبود شاخص های اجتماعی موثر باشد. مطالعاتی که در دهه های اخیر در زمینه روند نابرابری منطقه ای انجام شده است رویکردی را ارائه می کند که تحت عنوان رویکرد بینابینی ارائه شده است و نظریه پردازان این رویکرد معتقدند که رابطه رشد اقتصاد ملی و نابرابری منطقه ای در طول زمان وابسته به سطح توسعه مناطق و یا مقیاس مطالعه دارد، به این ترتیب که در برخی مناطق رابطه ی رشد و نابرابری رابطه ای مثبت اما در برخی مناطق خلاف آن است [۴].

## ۲. پیشینه نظری

عمده‌ترین نظریه‌هایی که بیانگر تأثیر تفاوت‌های منطقه‌ای در زمینه توسعه فضای کسب و کار، نظریه دوگانگی اقتصادی است، نظریه قطبی شدن بصورت بخش واگرایی و بخش همگرایی ناحیه و منطقه‌ای را شامل می‌شود که دوگانگی فنی یعنی تفاوت طرف عرضه را با توجه به این که مناطق کم‌برخوردار معمولاً دارای ساختار سنتی هستند، مثلاً در خصوصیات توابع تولید، ساختار تولید سنتی است یا در الگوی ناحیه‌ای می‌توان مناطق شهری و روستایی باعث مشخص‌نمایی متفاوت توابع تولید است. از جمله این نظریه‌ها می‌توان نظریه قطبی شدن، پرو را بیان کرد که استدلال می‌کند فرایند توسعه در مسیر خود منجر به قطبی شدن فضا و فعالیت‌ها خواهد شد. این امر بدان معناست که در طی فرایند توسعه، وجود مناطق یا بخش‌های جاذب باعث گرایش به تمرکز فعالیت‌ها در آن منطقه یا ناحیه می‌شود و در نتیجه با مناطق قطبی شده مواجه خواهیم شد [۱۰].

یک نظریه دیگر به نام نظریه اقتصاد جغرافیایی نوین نشان می‌دهد که همگام با رشد درآمد ملی، نابرابری‌های منطقه‌ای به دلیل وجود صرفه‌های ناشی از مقیاس افزایش پیدا می‌کند. در نتیجه ارتباط مثبتی بین نابرابری منطقه‌ای و سرعت رشد اقتصادی وجود دارد [۱۱]. جوزف شومپیتر در نظریه‌ای که به نام وی شناخته می‌شود اعتقاد داشت ماشین سرمایه‌داری علاوه بر اینکه قادر است نرخ‌های بالای رشد اقتصادی تولید کند، بلکه می‌تواند ضررهای اجتماعی آن را نیز جبران نماید [۵]. او قبلاً از جامعه مدنی سرمایه‌داری خالص، لذت می‌برد و آن را تایید می‌کرد. با این وجود او نیز رکود و فروپاشی سرمایه‌داری را باور داشت. او تحلیلش را اینگونه آغاز می‌کند که یک اقتصاد در تعادل ایستا قرار دارد و ویژگی آن یک "جریان دوری" است که برای همیشه تکرار می‌شود. در این سیستم اقتصادی، هر بنگاه در تعادل رقابتی کامل قرار دارد که هزینه‌های آن دقیقاً معادل درآمدهای آن است و سود صفر است. فرصت‌های سود وجود ندارد و خانواده‌ها نیز همچون یک بنگاه در چنین حالتی به سر می‌برند. اساس توسعه اقتصادی، قطع این جریان دوری است که به شکل یک نوآوری اتفاق می‌افتد. نوآوری، ساخت ماشین و ابزار جدید را ضروری می‌نماید. این نوآوری از سه طریق اتفاق می‌افتد: جایگزینی ماشین‌آلات و ابزارهای غیرقابل‌استفاده فعلی، انتظار کسب سودهای انحصاری از یک زمینه جدید، تولید محصول جدیدی که مردم حاضر به کاهش پس‌اندازهای خود برای خرید آن کالا باشند. او خودش بر راه دوم تاکید می‌ورزد. بعلاوه او به طور جدی بر لزوم وجود کارآفرینان تمرکز می‌کند و بیان می‌دارد که این افراد با کشف فرصت‌های نوین، جریان عظیمی از سرمایه‌گذاری‌ها و سودها را به راه می‌اندازند.

مدل ریاضی نظریه او سه تفاوت با مدل‌های کلاسیک و مارکسی دارد: معرفی نرخ بهره و اهمیت آن، جداسازی انواع مختلف سرمایه‌گذاری‌ها (بخصوص از حوزه نوآوری‌ها)، تاکید بر محوری‌بودن کارآفرینی برای رشد اقتصادی. شومپیتر معتقد بود رشد اقتصادی در "فضای اجتماعی" پرورنده کارآفرینان اتفاق می‌افتد. اما او چندان عوامل شکل‌دهنده چنین فضای خاص را باز نمی‌کند. او بیان می‌دارد که بازارهای مالی، اعتباردهندگان و بانک‌ها برای قدرت بخشیدن به کارآفرینان بوجود می‌آیند. از نظر او، دولت باید به نفع کارآفرینان دخالت کرده و اعتبارات ارزان (کم‌بهره) در اختیار آنان بگذارد. جذب سرمایه در نوآوری، برای استفاده مفید از منابع، افزایش بهره‌وری، گسترش تجارت و بالا بردن سطح رفاه فردی و اجتماعی و یا به عبارت دیگر سطح استانداردهای زندگی لازم است. با توجه به تغییرات سریع در صنعت فناوری در سراسر دنیا، رقابت‌پذیری و بقای نهایی یک سازمان به توانایی آن در توسعه و تولید محصولات و خدمات جدید و نوآورانه وابسته است [۵]. کاهش درآمد روستاییان و بیکاری روز افزون از یک سو حاصل تولید با روشهای سنتی و عدم توانایی رقابت با سایر کشورهای جهان بدلیل استفاده از ابزار و روشهای بسیار سنتی از سوی دیگر عدم توان تولید فناوری‌های داخلی و ناتوانی از تسهیل در ورود ابزار و تجهیزات از سایر کشورها بدلیل تحریم‌های طولانی مدت موجب کاهش بهره‌وری در بخش روستایی گردیده است.

## ۱.۲. جایگاه و اهمیت فضای کسب و کار در قوانین بالادستی کشور

فضای کسب و کار در برنامه ششم توسعه اقتصادی اجتماعی و فرهنگی به شدت مورد توجه قرار گرفته است. اختصاص ۱۴ماده از ۴۲۱ماده این برنامه نشان از آشکار شدن اهمیت موضوع نزد سیاستگذاران کشور است [۶]. با توجه به اهمیت آن نگاهی به موارد مورد توجه در این برنامه خواهیم داشت:

ابلاغ ضوابط و سیاستهای تشویقی لازم از جمله اهداء جوایز یا اعطاء تسهیلات یا کمکهای مالی، برای استفاده کالاها و خدمات از نام تجاری در بازار خرده‌فروشی و عمده‌فروشی با حفظ حقوق معنوی صاحب نشان تا پایان سال اول برنامه توسط وزارت بازرگانی و مشارکت سایر دستگاههای ذیربط؛

توجه به یکپارچه سازی صدور مجوز پنجره واحد کسب و کار به منظور تسهیل فرایند فعالیتهای اقتصادی؛  
ارائه خدمات دولتی و عمومی در تمام ساعات شبانه روز به شهروندان به منظور بهبود بهره‌وری نظام اداری، افزایش رضایت عمومی و دسترسی آسان و سریع شهروندان به خدمات عمومی و دولتی؛

حمایت از واحدهای کسب و کار با استفاده از خدمات بیمه ای جهت فائق آمدن بر نوسانات قیمتها و نوسانات نرخ ارز؛  
اقدامات قانونی لازم برای اصلاح قانون کار و قانون تأمین اجتماعی و روابط کار؛  
توجه به رقابتی نمودن بازارها و کسب و کارها؛

تشکیل شورای گفت‌وگوی دولت و بخش خصوصی به منظور تبادل نظر دولت و بخشهای خصوصی و تعاونی و تسهیل فعالیتهای اقتصادی این بخشها، بررسی و رفع موانع کسب و کار و اتخاذ تصمیم مؤثر برای اقدامات لازم در چهارچوب قوانین و مقررات موجود و ارائه پیشنهادها و راهکارهای اجرایی مناسب به مراجع ذیربط؛

شناسایی قوانین، مقررات و بخشنامه‌های محل تولید و سرمایه‌گذاری در ایران و تلاش جهت بهبود آنها از طریق پیشنهاد راه‌کارهای قانونی لازم؛

ارائه خدمات بازاریابی، مشاوره‌ای و کارشناسی و تقویت و ساماندهی تشکلهای خصوصی و تعاونی؛  
اولویت خرید تولیدات داخلی، کالاها و خدمات در خریدهای دولتی.

علاوه بر برنامه ششم در سیاستهای کلی اشتغال نیز به بهبود فضای کسب و کار توجه شده و در بند ۵ آن به طور مستقیم و در سایر بخش‌های این سیاستها نیز به بسترهای مورد نیاز آن توجه لازم شده است. از جمله موارد قابل توجه در آن عبارتست از:  
بهبود محیط کسب و کار و ارتقاء شاخص‌های آن با توجه به عوامل سیاسی، فرهنگی و قضایی و محیط اقتصاد کلان، بازار کار، مالیات‌ها و زیر ساخت‌ها؛

توسعه حداقل پنجاه و چهار خوشه کسب و کار روستایی، بهره‌برداری و ساخت نود و هشت ناحیه صنعتی روستایی و ایجاد یک میلیون و نهصد و چهارده هزار فرصت شغلی در روستاها و مناطق عشایری از طریق احداث و توسعه بنگاههای اقتصادی رقابت‌پذیر و صادرات‌گرا از طریق بخشهای خصوصی و تعاونی

ترویج و تقویت فرهنگ کار، تولید، کارآفرینی؛  
استفاده از تولیدات داخلی؛

جذب فناوری، سرمایه و منابع مالی، مبادله نیروی کار و دسترسی به بازارهای خارجی کالا و خدمات از طریق تعامل مؤثر و سازنده با کشورها، سازمان‌ها و ترتیبات منطقه‌ای و جهانی؛  
همه‌تنگ سازی و پایداری سیاست‌های پولی، مالی، ارزی و تجاری و تنظیم بازارهای اقتصادی در جهت کاهش نرخ بیکاری توأم با ارتقاء بهره‌وری عوامل تولید و افزایش تولید؛

توجه بیشتر در پرداخت یارانه‌ها به حمایت از سرمایه‌گذاری، تولید و اشتغال مولد در بخش‌های خصوصی و تعاونی؛  
گسترش و استفاده بهینه از ظرفیت‌های اقتصادی دارای مزیت مانند: گردشگری و حق‌گذر (ترانزیت)؛

حمایت از تأسیس و توسعه صندوقهای شراکت در سرمایه‌گذاری برای تجاری سازی ایده‌ها و پشتیبانی از شرکت‌های نوپا، کوچک و نوآور.

## ۲.۲. فضای کسب و کار

جهان این قرن، دنیایی آکنده از رقابت است. شرط توفیق در شرایط رقابت، توسعه‌ی بازارها، ظهور و رواج فناوری‌های برتر و گسترش دسترسی کارآفرینان و صنعت کاران بخش کسب و کار به محیط مطلوب کسب و کار است. بررسی وضع موجود حاکی از چالشهای فراوانی است که پیش روی بخش خصوصی است. از نظر کلارک، «هرآنچه را که روی فعالیتهای واحدهای صنعتی مؤثرند ولی جزئی از آن واحد نباشند را فضای کسب و کار گویند» [۷]. در مکتب شهید سلیمانی شفقت حاج قاسم در پی پذیرش رنج خود و با توجه به معرفت درونی که او از شناخت خالقش پیدا کرده است، می‌تواند به ما بیاموزد چه فرصتها و تهدیدهایی در فضای رقابتی وجود دارد چرا که فضای کسب و کار، مجموعه‌ای از سیاست‌ها، شرایط حقوقی، نهادی و مقرراتی است که برفضای کسب و کار حاکم است و باید همه جانبه و جهادی وارد عمل شد. به عبارت دیگر، فضای کسب و کار متغیرهای مؤثر بر کسب و کار بنگاههای اقتصادی است که خارج از تسلط آن بنگاهها بوده ولی

برنتیجه تلاش آنها بسیار موثر است. فضای کسب و کار از حوزه های استراتژیک توسعه صنعتی است که ناشی از عواملی چون بهره وری و اشتغال نیروی کار، سرمایه گذاری، آزادی های اقتصادی تولید کنندگان و ظرفیت های تولیدی است. از سوی دیگر، توسعه اقتصادی بر پایه رقابت پذیری کشورها استوار است و سلامت محیط کسب و کار از عوامل رقابت پذیری کشورها در اقتصاد جهان است [۷]. در جدول ۱ گزارش بانک جهانی در مورد فضای کسب و کار در کشور را نشان می دهد در این جدول ده عامل و میزان پیش برندگی یا ممانعت هر عامل آورده شده است.

جدول ۱. وضعیت فضای کسب و کار در ایران [۸]

عوامل فضای کسب و کار	امتیاز ایران	رتبه ایران بین ۷۰ کشور جهان	وضعیت عامل
سلامت و گستردگی بازارهای مالی	۸۸,۳	۶۸	به شدت بازدارنده
محیط اقتصادی کلان	۴۸,۶	۱۳	پیش برنده
میزان بازبودن اقتصاد	۳۳,۳	۶۷	به شدت بازدارنده
بزرگی و کارایی دولت	۲,۵	۴۸	خنثی
زیربناهای فیزیکی	۳۳,۳	۶۳	بازدارندگی زیاد
انعطاف پذیری نیروی کار	۹۴,۳	۶۹	به شدت بازدارنده
فناوری ارتباطات و اطلاعات	۶۸,۳	۶۶	به شدت بازدارنده
زیربنای علمی و فناوری	۹۱,۳	۶۰	بازدارندگی زیاد
محیط سیاسی و اجتماعی	۵۵,۴	۵۲	بازدارندگی کم
انحصار و رقابت	۸۰,۳	۷۰	بازدارنده ترین محیط

محیط کسب و کار کشورها را می توان به سه دسته تقسیم کرد [۹]:

۱) کشورهایی با فضای کسب و کار پیش برنده: در این کشورها فضا مشوق فعالیت های اقتصادی است و شرکتهای تولیدی برای انجام کارهای خود نه تنها هزینه محیطی پرداخت نمی کنند بلکه محیط برای آنها انگیزش ایجاد می کند.

۲) کشورهایی با فضای کسب و کار خنثی: در این کشورها فضا نه بازدارنده و نه پیش برنده است. بنگاهها در چنین فضای بدون انگیزش و محرک های قوی محیطی فعالیت می کنند ولی در عین حال محیط بیرونی آنها موجب بالا رفتن هزینه هایشان نمی شود.

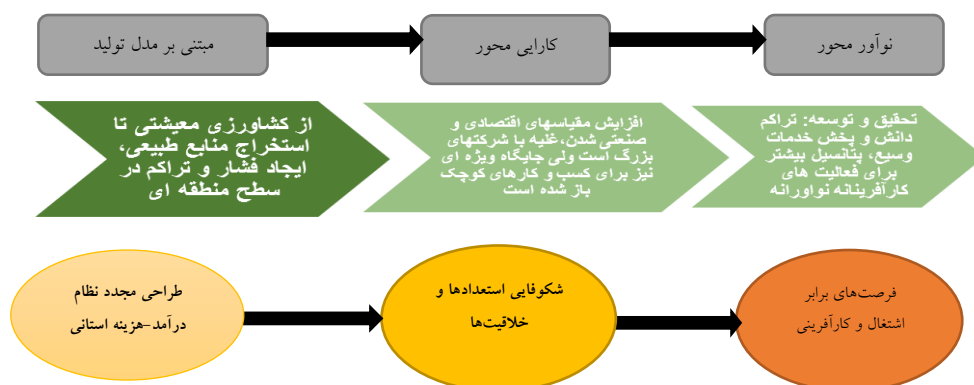
۳) کشورهای با فضای کسب و کار بازدارنده: در این کشورها بخشی از فعالیت های مدیران صنعتی صرف خنثی کردن موانع محیطی می شود.

با توجه به جدول ۱ نیاز زیادی در کوچک کردن دولت و حضور رقبای خصوصی به صورت چابک و جهادی دیده می شود. برنامه ریزی جهادی در حضور ریسک فضای کسب و کار محرک قوی محسوب می شود. مدیریت ریسک گریز هم فاقد چابکی هست و هم چالاکي را از مجموعه سلب می کند.

### ۳. تحلیل اثر توسعه منطقه ای در فضای کسب و کار آفرینانه

با تبیینی حساب شده از ساختار هویت ملی و جوامع منطقه ای از طریق آمایش سرزمین می توان جهت محرومیت زدایی و عدالت محوری، در مسیر برنامه ریزی منطقه ای گام برداشت تا هم پیوندی، پراکندگی، همزیستی و تعادل مردم مناطق مختلف را ایجاد کرد و

تعدالی مناسب بین مناطق مختلف کشور برقرار شود. در توسعه اقتصادی، رشد کمی تولید حاصل خواهد شد اما در کنار آن، نهادهای اجتماعی نیز متحول خواهند شد، نگرش‌ها تغییر خواهد کرد، توان بهره‌برداری از منابع موجود به صورت مستمر و پویا افزایش یافته، و هر روز نوآوری جدیدی انجام خواهد شد. بعلاوه می‌توان گفت ترکیب تولید و سهم نسبی نهاده‌ها نیز در فرآیند تولید تغییر می‌کند. توسعه امری فراگیر در جامعه است و نمی‌تواند تنها در یک بخش از آن اتفاق بیفتد. توسعه، حد و مرز و سقف مشخصی ندارد بلکه بدلیل وابستگی آن به انسان، پدیده‌ای کیفی است (برخلاف رشد اقتصادی که کاملاً کمی است) که هیچ محدودیتی ندارد. توسعه اقتصادی دو هدف اصلی دارد: اول، افزایش ثروت و رفاه مردم جامعه (و ریشه‌کنی فقر)، و دوم، ایجاد اشتغال، که هر دوی این اهداف در راستای عدالت اجتماعی است. یکی از مشکلاتی که مناطق محروم کشورمان با آن مواجه بودند، عدم مشارکت مناطق و استان‌ها و برنامه ریزی‌های منطقه‌ای در برنامه ریزی‌های کلان کشور بود. این پدیده است که نه تنها کشور ما بلکه همه کشورهایی که به برنامه ریزی‌های کلان متمرکز و بخشی روی آوردند، با آن مواجه بودند و یکی از راه حل‌های آنان، رویکرد به برنامه ریزی‌های منطقه‌ای و آمایش سرزمین بود. البته در سال‌های اخیر دولت بسیاری از طرح‌ها و برنامه‌های کشوری از سازمان مدیریت را به استان‌ها انتقال یافت، که در صورتی که آن‌ها به طرح‌ها و برنامه‌های کوتاه مدت محدود نشود و به سوی برنامه‌های بلندمدت استانی و منطقه‌ای کشیده شود. شکل ۱ آثار توسعه منطقه‌ای را در گروه توسعه اقتصاد مبتنی بر عوامل اقتصاد نوآور محور و بصورت موازی در گروه توسعه سیاسی مبتنی بر روحیه شفقت و عملگرا در نظر می‌گیرد تا تبلور آن در کسب و کار کارآفرینانه انعکاس یابد.



شکل ۱. مدل مفهومی بر گرفته از نتایج تحقیقات و مبانی نظری

#### ۴. نتیجه‌گیری

هدف اصلی از انجام این پژوهش، در نظر گرفتن مسئله توازن منطقه‌ای به عنوان یک عامل مهم در برنامه‌ریزی اقتصادی و اجتماعی بصورت نقش کسب و کار در کارآفرینی گنجانده شد تا رویکردهای تعادل بخش نظیر اعطای مشوق‌های لازم به سرمایه‌گذاران و کارآفرینان ایجاد گردد. بر همین اساس می‌توان بینش، تخصص فنی، زیرساختها، سرمایه‌گذاری جسورانه، امکان تغییر شغل، شبکه ارتباطی تبادل اطلاعات و یادگیری را به عنوان چند اصل راهنما و هدایتگر که به توسعه کسب و کار در سطوح منطقه‌ای و ملی منجر می‌شوند، بیان نمود. شکل‌گیری و تداوم حیات کسب و کار علاوه بر قابلیت‌ها و شایستگی‌های درون سازمانی، فناوری و سرمایه، استراتژی و مدل کسب و کار، نیاز به عوامل و بسترهای مساعد محیطی، از عوامل اقتصادی (نرخ مناسب تورم، رشد اقتصادی) تا سایر بسترها و زیرساختها از جمله اخذ مجوز آسان، قوانین مناسب جهت حمایت از مالکیت فکری، ارتقای ابعاد مختلف حکمرانی شایسته، قوانین مناسب نگاهداشت کارآفرینان در مناطق کمتر برخوردار دارد. منتها اگر مدیران محتاط باشند کارکنان به سمت کارآفرینی حرکت نخواهد کرد. مدیر محتاط ریسک و مخاطره را هیچ وقت نمی‌تواند تحمل کند چرا که نااطمینانی را نمی‌تواند بپذیرد. پس کارآفرینی درون مجموعه پیاده‌سازی نخواهد شد اگر قرار باشد به سمت کسب و کار کارآفرینانه حرکت کنیم حتما ریسک را باید پیدا کرد و عاقلانه و با در نظر گرفتن تمهیداتی سراغ آن رفت. جهادی

پیش رفتن، رفتار بدون فکر نیست بلکه مخاطرات احتمالی و شرایط تهدیدآمیز را در کنار محاسبات خود دارد و شفقت نیز آستانه‌ها را تا حد رسیدن نتیجه به مطلوب بهینه بالا می‌برد چرا که از خوب به عالی شدن نیاز به ریسک و شفقت دارد.

## منابع

- [1] خلیل طارق، ۱۳۸۱. مدیریت فناوری، ترجمه کامران باقری، انتشارات پیام مرکز تکنولوژی وزارت نیرو، ۳۶-۴۷.
- [2] سید محمد اعرابی و ح.، منتهی، ۱۳۸۹. استراتژی فناوری، تهران، چاپ اول، انتشارات مهکامه.
- [3] محمدرضا ذبیحی و ع.، مقدسی، ۱۳۸۸. کارآفرینی از تئوری تا عمل، مشهد، انتشارات جهان فردا.
- [4] اسفندیار زبردست و س.، روستا، ۱۳۹۶. گونه‌شناسی رویکردهای نظری و تجربی نابرابری‌های منطقه‌ای. دوفصلنامه دانشگاه هنر، ۱۹، ۱۶۹-۱۵۳.
- [5] ابراهیم رجب‌پور، ج.، چرخاب و م.، اردکانی، ۱۳۹۹. مفهوم توسعه منابع انسانی در پژوهشگاه صنعت نفت با استفاده از تکنیک‌دیمتلفازی. مدیریت بهره‌وری، ۱۴ (۵۳)، ۱۴۰-۱۱۹.
- [6] سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور، ۱۳۹۷. "قانون برنامه ششم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران، انتشارات سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور، جلد اول.
- [7] سعید اردکانی، س.، کنجکاو منفرد، ا. ر.، حکاکی، س. م.، و رضایی دولت آبادی، ح. ۱۳۹۲. شناسایی عوامل موثر بر توسعه نوآوری فردی، فصلنامه مدیریت توسعه فناوری، ۱(۲)، ۱۳۵-۱۵۵.
- [8] حسن ولی بیگی و ف.، پناهی، ۱۳۸۹. جایگاه ایران در اقتصاد جهانی در مقایسه با کشورهای منتخب (از منظر شاخصهای توسعه انسانی، آزادی اقتصادی و فضای کسب و کار)، بررسیهای بازرگانی، ۴۲-۲۷.
- [9] سید محمد علوی منش، ۱۳۸۸. بررسی چالش‌های فضای کسب و کار. تهران: مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی.
- [10] Perroux, f.2020. Economic space, theory and application, Quarterly journal of economics, 64, 89-104.
- [11] Moeda, C., Jouini, S.2020. Imprinting of founder' entrepreneurial motivations on enterprises' practices and processes: The context of creative industries, Wiley.